

جمهوری اسلامی بدون خاتمی؟

گفتگوی علی جوادی با منصور حکمت

علی جوادی : خاتمی در مجلس اسلامی علاوه بر انتقاد نرم و نازک و ملایمش به جناح راست، تاکید قاطع و روشنی بر ضرورت همه جانبه مقابله با نیروهای "برانداز" داشت. سیاستهای اعلام شده خاتمی در مجلس را چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا خاتمی دوم خرداد را پایان یافته تلقی میکنند؟ آیا مانیفست جدیدی را برای دوم خردادیهها تدارک دیده است؟

منصور حکمت: بنظر من حرکت خاتمی در مجلس، چه با توجه به تصویری که از او روش و شخصیت فردی او گرفته ایم و چه با توجه به موقعیت عمومی دوم خرداد و تعادل موجود جناحها، کاملا قابل انتظار بود. هیاهوی زیادی از قبل حول صحبت خاتمی براه افتاده بود. هم در میان بخشهایی از راست و هم در صفوف دوم خردادی ها این تصور وجود داشت که خاتمی به راست تعرض خواهد کرد، انتقاداتی را بیان میکند و یا شروطی برای کاندید شدن خود طرح میکند. این هیاهو توخالی بود. خاتمی در بزنگاههای بسیار مهم تر از این ساکت مانده بود. بنظر من سخنرانی خاتمی در مجلس چندان نرم و نازک تر از بقیه حرفهایش نبود. مثل همیشه بود. این خاتمی است. منهای حماسه های مختلفی که طرفدارانش به اندام و جوارحش آویزان کرده اند، خاتمی همین است و از ابتدا این بوده. تلاش دوم خردادی ها برای اینکه خاتمی را به یک مقابله علنی تر و صریح تر با خامنه ای و شاهرودی بکشند تلاش بیهوده ای بوده است. اگر اساسا بنا باشد یک چنین مقابله ای میان دوم خردادی ها و جناح مقابل صورت بگیرد، خاتمی چهره مناسبی برای این کار نیست و این یکی از مشکلات لاینحل دوم خردادی هاست. مقوله "عبور از خاتمی" در درون جنبش ملی اسلامی اساسا از همین معضل مایه گرفته است.

بنظر من خاتمی طرح جدیدی برای دوم خرداد ندارد. خاتمی حداکثر طرحی برای شخص خودش دارد، برای یک همزیستی با خامنه ای و جناح راست، البته اگر اینها حاضر باشند کمی به مواضع نواندیشان نزدیک تر شوند. اگر خاتمی بتواند به چنین توافقی برسد، این شاید عملا برای مدتی به دستور کاری برای قشر بالایی دوم خرداد هم تبدیل شود. اگر توجه کنید میبینید خاتمی کمتر با خود جناح دوم خرداد، که قرار است رهبرشان باشد، دیالوگ میکند و یا سران آن را مخاطب قرار میدهد. یا حتی کنارشان ظاهر میشود. او حتی از اعلام تعلق رسمی خویش به این جناح ابا دارد. این دوم خردادی ها هستند که خاتمی را سمبل و چهره شاخص خود اعلام کرده اند، خاتمی تاکنون صریحا چنین تعبیر جناحی ای از خود نداده است و از اصلاحات و اصلاح طلبی بطور کلی صحبت کرده است. اسم مخالفین خود را نمیآورد و بیشتر از عسکر اولادی "رهبر رهبر" میکند. بنظر من دستور کار خاتمی از ابتدا با آنچه دوم خردادی ها و جنبش وسیع تر ملی اسلامی به او الصاق کردند تفاوت میکرد. خاتمی در صورت بالا گرفتن تقابل دو جناح کناره گیری میکند. رهبری اصلاح طلبان را در چنین تقابلی نمیخواهد. من تصور نمیکنم خاتمی در استراتژی حرکتش در چهار سال قبل قصد و یا دورنمای یک مواجهه وسیع سیاسی با ولایت فقیه را داشت. بنظر من میپنداشت راست و خامنه ای و "نظام" پس از مقاومتهایی به کلیات خط مشی او رضایت خواهند داد، چون تصور میکرد میتواند رابطه با غرب و از اینطریق فضای اقتصادی در کشور را بهبود ببخشد. بنظر من خاتمی خود را نهایتا در پیوستگی با دوران رفسنجانی میدید. اما جریاناتی که کاندیدهای واقعی شان موسوی و یا سحابی بودند، پشت خاتمی آمدند تا از او چیزی بسازند که نبود. این طفلک هم تا اینجا را با سکوت و لبخند و غمزه برای خبرنگاران بخیر گذرانده و از تعیین تکلیف اجتناب کرده. اما دیگر مهلت تمام شده و باید تصمیم بگیرد. خاتمی دستورکار اصلاح طلبان را تعریف نخواهد کرد. بلکه

جایگاه فردی خود را تعیین میکند. اگر بعد از همه این گوشمالی ها، بعنوان کاندید نظام به میدان بیاید، جایگاهش را در اردوی اصلاح طلبان اسلامی از دست میدهد. نامه مجاهدین انقلاب اسلامی را بخوانید تا قضاوت منفی طرفدارانش را لابلای سطور بوضوح ببینید.

علی جوادی : این سیاستها جنبش دوم خرداد را در چه وضعیتی قرار میدهد؟ واکنش دوم خردادیها را چگونه ارزیابی میکنید؟

منصور حکمت: اگر خاتمی بهر حال، با هر کرنشی به راست، رئیس جمهور شود، قشر بالایی دوم خرداد باید بهر حال بدوا به او رضایت بدهد. اما این فروپاشی نهایی دوم خرداد را ببار خواهد آورد. تا همینجا بنظر من دوم خرداد تمام اهرمهای اعمال نفوذ خود بر حرکت مردم را از دست داده است. صفوف پائین این جنبش فی الحال جدا شده و رفته اند. بدون یک مقابله حاد میان جناحها، بدون یک تعرض جدی اصلاح طلبان به ولایت فقیه و قوه قضائیه، امکان اعاده نوعی خصلت توده ای برای این جنبش وجود ندارد. انتخاب شدن خاتمی در شرایط موجود بالای این جریان را نیز مضمحل میکند. در اوائل کار قطعا با سیلی صورت را سرخ نگاه خواهند داشت و خواهند کوشید بصورت فرمال در صحنه بمانند. اما عقل زیادی نمیخواهد که تشخیص بدهند باخته اند و باید فکر دیگری بکنند.

علی جوادی : کاندیداتوری خاتمی بنظر همچنان در پرده ابهام است. اخیرا روزنامه "دوران امروز" از قول محسن رضایی گفته بود که "خاتمی بهتر است کاندیدا نشود". در پیام سال نو هم خاتمی نشانه هایی از ناامیدی و ترک صحنه به چشم میخورد. وضعیت شخص خاتمی را در این اوضاع و احوال چگونه ارزیابی میکنید؟

منصور حکمت : محسن رضایی البته بعدا حرفش را تصحیح کرد. ظاهرا از حرفهای خصوصی خامنه ای و رفسنجانی چیزهایی شنیده بوده و نسنجیده بیان کرده است. این یک واقعیت است که در هفته های اخیر راست به این ایده که شاید کاندید نشدن خاتمی بهتر باشد متمایل تر شده است. به غیر از محسن رضایی کسان دیگری هم این تم را بحث کرده اند. دستگیری های وسیع و ممنوعیت فعالیت طرفداران خاتمی آنهم بعد از صحبت او در مجلس هم میتواند به معنای اعلام صریح بی نیازی راست از خاتمی و تلاش برای منصرف کردن او از کاندیداتوری تلقی بشود. هرچند هنوز بخشهای بیشتری از راست ریاست جمهوری یک خاتمی سربزیر تر و گوشمالی داده شده تر را ترجیح میدهد و برای ثبات رژیم و جلوگیری از دست اندازهای سیاسی مفید تر ارزیابی میکنند. اما در هفته های اخیر بنظر میرسد ایده کنار گذاشتن خاتمی دارد بطور جدی تری طرح میشود.

منهم فکر میکنم در پیام نوروزی خاتمی نوعی "وداع" هست. در فاصله سخنرانی مجلس تا پیام نوروزی دو واقعه مهم رخ داده. اول دستگیریهای وسیع و ممنوعیت فعالیت دوم خردادی ها. این یک سیلی محکم بصورت خاتمی است. خاتمی رفته بود امتیاز بگیرد تا بماند. الان دارند صریحا به او فشار میاورند تا امتیاز بدهد تا بماند. برای کسی که اهل مقابله نیست و قصد مقابله ندارد، این موقعیت بسیار دلسرد کننده ای است. در سخنرانی مجلس خاتمی با روحیه یک کاندید صحبت میکند، در پیام نوروزی عکس این را میبینیم. فاکتور دوم ماجرای چهارشنبه سوری و تقابل فرهنگی- سیاسی وسیع مردم با حکومت است. بنظر من هم راست و هم خاتمی در این حرکت مردم پیش پرده ای از فضای جامعه در سال ۸۰ را دیدند. این راست را میترساند. برای مقابله با این فضا حکومت یکدست تری میخواهند و نگرانند که بافت دوجناحی حکومت در مقابل تعرض مردم ضربه پذیریشان میکند. لاجرم حتی همان خاتمی رام در سخنرانی مجلس هم دیگر برایشان قابل هضم نیست. میبینند که دوم خردادی ها توان ساکت کردن جنبشی را که دارد قد علم میکنند ندارند. در اینصورت چرا اساسا باید قدرت را با

آن شریک شوند؟ از نظر راست ارزش سهام خاتمی و شرکاء در بورس سیاست ایران بشدت تنزل کرده است و لاجرم دارند استراتژی خود را بازبینی میکنند. خود خاتمی هم همینطور. اگر صحنه سیاسی ایران در ماههای آینده را کشمکش علنی و مردم با حکومت شکل میدهد، اگر دوم خرداد از سوار شدن بر جنبش مردم و ضمیمه کردن آن به اصلاح طلبی درباری دوم خردادی ناتوان باشد، راست دیر یا زود کودتا میکند و خاتمی را قربانی میکند. پس چرا باید با پای خود به این مهلکه گام بگذارند؟ بنظر من خاتمی در پیام نوروزی اش بیشتر تمایل به کناره گیری دارد. البته هنوز چندین هفته مانده، و در این دوره حتی روزها تعیین کننده اند. همه چیز میتواند باز تغییر کند.

علی جوادی : آیا جناح راست و خامنه‌ای از خاتمی قطع امید کرده‌اند و دارند تلاش میکنند که حاکمیت اسلامی را یکدست کنند و خودشان بدون حفاظ خاتمی رو در روی مردم قرار گیرند؟
منصور حکمت: "قطع امید" هنوز نه، اما بنظر من دارند بطور واقعی به جمهوری اسلامی بدون خاتمی فکر میکنند. یا باید الان عزلش کنند یا شش ماه دیگر وقتی مردم خیابانها را گرفته اند.

علی جوادی : با این حساب (احتمال عدم کاندیداتوری خاتمی) انتخابات ریاست جمهوری اسلامی چه وضعیتی بخودش میگیرد؟

منصور حکمت: هنوز تکلیف کاندیداتوری خاتمی معلوم نیست. بنظر من اگر خاتمی کاندید شود، انتخابش میکنند. اگر کاندید نشود، انتخابات به احتمال قوی برگزار نمیشود و خامنه‌ای ترتیبات موقت دیگری را اعلام خواهد کرد. اگر خاتمی کاندید نشود و انتخابات همچنان برگزار شود، راست مانع کاندیداتوری دوم خردادی ها خواهد شد و آدم خودش را از صندوق در میاورد. فرصت کافی برای رسیدن به یک توافق عمومی میان جناحها نخواهد بود. اصلاح طلبان این انتخابات را محکوم خواهند کرد و بحران حکومتی بسرعت تعمیق میشود. به همین خاطر است که فکر میکنم در صورت کاندید نشدن خاتمی تعویق انتخابات و آمدن خامنه‌ای به جلوی صحنه محتمل ترین حالت است.

علی جوادی : اخیرا محببان از استراتژیستهای جناح راست در مقاله‌ای از "ضرورت تغییر استراتژی در بازی" صحبت کرده و اشاره کرده است که رقابت دو جناح منتج به قدرت گیری "جریان سوم" شده و نتیجه گرفته است که باید به این "بازی" خاتمی داد، و اضافه کرده که "عقلانیت استراتژیک حکم میکند که به سوی راه حلی با ثبات تر و عقلانی تر در روابط دو جناح برویم." آیا "راه حلی با ثبات تر" برایشان ممکن است؟

منصور حکمت: محببان (که در این وانفسا بطرز غریبی شیفته "گیم تئوری" شده) از این صحبت میکنند که جناحها باید فرمولی بیابند که زیان به کلیت نظام را به حداقل برسانند. میگویند نباید "بازی" را به نحوی تعریف کرد که برد یک جناح به معنی باخت جناح دیگر باشد. هر دو جناح میتوانند برنده باشند مشروط بر اینکه انتظار پیروزی حداکثر بر دیگری نداشته باشند. معنی عملی حرف او ایجاد یک مرکز جدید متشکل از "عقلا" و میانه روهای دو جناح است که افراطیون هر دو طرف را کنار میگذارند. این بنظر من یک روند جدی در هیات حاکمه است. بهرحال اگر لاعلاجی موقعیت حکومت بخواد راست را به سازشی با مخالفانش بکشاند، قالب این سازش نه پذیرش پلاتفرم دوم خرداد توسط راست، بلکه به احتمال قوی تر ایجاد یک قطب مرکز نزدیک تر به راست خواهد بود. اما اینهم نهایتا مرحله گذرایی در سیر قهقراپی حکومت اسلامی است. این مرکز هم نقطه تعادل دیرپایی نخواهد بود.

علی جوادی : این روزها زمزمه‌هایی در ارتباط با دخالت "رهبر" در "مدیریت اجرایی نظام" شنیده میشود. میگویند خامنه‌ای بخشی از "اختیاراتش" را به رفسنجانی "تفویض" کرده است. شاهرودی به جانشینی خامنه‌ای تعیین شده است. این مجموعه را چگونه ارزیابی میکنید؟

منصور حکمت: روی این شایعات نمیشود حساب کرد. در اینکه خامنه‌ای ناگزیر است برای ایجاد یک وحدت ولو صوری و تحمیلی میان محافل مختلف حکومتی بیشتر به جلوی صحنه بیاید شکی نیست. همانطور که گفتیم اگر خاتمی کاندید نشود، دخالت مستقیم خامنه‌ای و تعویق انتخابات به مدت نامعلوم، محتمل‌ترین سیر است.

علی جوادی: موقعیت دوم خردادیهای خارج از کشور شکل خنده‌داری بخودش گرفته است. طیفهای توده‌ای - اکثریتی دارند به خاتمی التماس میکنند که کاندیدا شود. وعده میدهند که در صورت کاندیداتوری خاتمی کاملاً پشت و پناش خواهند بود. آینده این نیرو را چگونه می‌بینید؟

منصور حکمت: این اپوزیسیون ارتجاعی عمرش را کرده است. اینها انجمن‌های طرفداران حجاریان در خارج کشورند. موقعیت اینها تابعی از موقعیت مخالفان درباری حکومت است. اینها تنها در رکاب شاخه‌هایی از خود ارتجاع اسلامی میتوانند نقش داشته باشند و لاجرم هر قدر تناسب قوا به نفع مردم و علیه جناحهای حکومتی تغییر کند، این جریان‌ها بیشتر به حاشیه رانده میشوند. برای همین است که اینها در دشمنی‌ها با خواست سرنگونی و سازمانهای خواهان سرنگونی دست کمی از خامنه‌ای و شرکاء ندارند. داوطلبانه در خارج کشور به بلندگوی وزارت اطلاعات تبدیل میشوند و روزی نیست که به هزار زبان از سران رژیم اسلامی فتوای سرکوب و ترور مخالفان رژیم در خارج کشور را طلب نکنند. امسال سال پایان اینها هم هست. ممکن است بخواهند با رادیکالیزه شدن مردم و بلند شدن بوی الرحمن رژیم، دوباره اسب عوض کنند. اما فایده‌ای ندارد. رسوا تر از این حرفها هستند. ما امسال در قبال اینها سیاست بسیار فعالی خواهیم داشت.

علی جوادی : شما در پیام نوروزیتان به مردم اظهار امیدواری کرده‌اید که سال جدید باید سال پایان بخشیدن به کابوس بیست و سه ساله جمهوری اسلامی باشد. بنظرتان مهمترین حلقه‌ها در رسیدن به این هدف کدامها هستند؟

منصور حکمت تحکیم رابطه حزب کمونیست کارگری با مردم بطور کلی و با طبقه کارگر بطور اخص، این کلید پیروزی است. اینکه مردم علیه حکومت اسلامی قدعلم کرده‌اند دیگر مسجل است. اما جلوتر رفتن از این منوط به پیدایش یک رهبری انقلابی و ناظر شدن یک افق انقلابی بر این جنبش است. همه چیز در گرو یک انتخاب سیاسی مهم توسط مردم ایران است. کدام افق بر مبارزه برای سرنگونی ناظر میشود؟ کدام رهبری شکل میگیرد؟ اینجاست که رابطه حزب و طبقه و حزب و جامعه تعیین کننده میشود. بنظر من امروز تنها امید واقعی برای ناظر شدن یک افق چپ بر مبارزه مردم، حزب کمونیست کارگری است. یک پیروزی چپ گرایانه اساساً با این حزب ممکن است. و بدون یک پیروزی چپ گرایانه، حتی سرنگونی رژیم اسلامی به معنای یک شکست تاریخی دیگر برای امر آزادی و برابری در ایران خواهد بود. اگر مردم چپ و به این اعتبار حزب کمونیست کارگری را در موقعیت رهبری جنبش قرار دهند، آنوقت میشود از یک آینده روشن صحبت کرد. سال ۸۰ باید سالی باشد که این انتخاب به نفع چپ و به نفع حزب انجام میشود. اگر چنین شود، مقطع پیروزی سیاسی بر حکومت اسلامی دور نخواهد بود.